

توسعه فردی و تحول سازمانی

ارائه الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی (مورد مطالعه سازمان آب کشور)

شیوه استناددهی: اسلامی، علیرضا، داداش کریمی، یحیی،
و نژاد ایرانی، فرهاد. (۱۴۰۴). ارائه الگوی حکمرانی مطلوب
با رویکرد اقتصاد مقاومتی (مورد مطالعه سازمان آب کشور).
توسعه فردی و تحول سازمانی، ۳(۲)، ۱۵-۱.

علیرضا اسلامی^۱، یحیی داداش کریمی^۲، فرهاد نژاد ایرانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۲. گروه مدیریت، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: dadashkarimi_2006@iau.ac.ir

چکیده

تاریخ چاپ: ۲۹ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۱۰ فروردین ۱۴۰۴

هدف این پژوهش، ارائه الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی در سازمان آب کشور به منظور ارتقای تاب‌آوری نهادی، کارایی ساختاری و تحقق اصول بومی حکمرانی مقاومتی است. پژوهش حاضر از نوع ترکیبی (آمیخته) اکتشافی است که در دو مرحله کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه حکمرانی و مدیریت آب، مفاهیم، مؤلفه‌ها و مقولات کلیدی شناسایی شدند. تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. در مرحله کمی، از روش توصیفی-همبستگی استفاده شد و پس از طراحی پرسشنامه بر مبنای یافته‌های کیفی، داده‌های حاصل از ۳۵۱ پاسخ‌دهنده از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار LISREL ۸۸ مورد تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم و مدل‌سازی معادلات ساختاری قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نشان داد که مدل اندازه‌گیری الگوی حکمرانی مطلوب از برازش مناسبی برخوردار است و کلیه مؤلفه‌های هفت‌گانه شامل مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، عدالت، قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری و کارایی و اثربخشی دارای بار عاملی معنادار و قابل قبول بوده و ساختار نهایی مدل مفهومی تأیید شد. الگوی ارائه‌شده می‌تواند به‌عنوان الگویی بومی و اجرایی در راستای ارتقاء حکمرانی سازمان‌های خدماتی در شرایط تحریم و بحران‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد و موجب تقویت تاب‌آوری ساختاری و کارآمدی سیاست‌گذاری در سازمان آب کشور شود.

کلیدواژگان: حکمرانی مطلوب، اقتصاد مقاومتی، سازمان آب، تحلیل عاملی تأییدی، نظریه داده‌بنیاد

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت
دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)
صورت گرفته است.



Personal Development and Organizational Transformation

Developing an Optimal Governance Model with a Resistance Economy Approach (Case Study: National Water Organization)

Alireza Eslami¹, Yahya Dadash Karimi^{2*}, Farhad Nejad Irani²

1. PhD Student, Department of Management, Bon.C., Islamic Azad University, Bonab, Iran

2. Department of Management, Bon.C., Islamic Azad University, Bonab, Iran

*Corresponding Author's Email: dadashkarimi_2006@iau.ac.ir

How to cite: Eslami, A., Dadash Karimi, Y., & Nejad Irani, F. (2025). Developing an Optimal Governance Model with a Resistance Economy Approach (Case Study: National Water Organization). *Personal Development and Organizational Transformation*, 3(2), 1-15.

Submit Date: 30 March 2025

Revise Date: 2 June 2025

Accept Date: 11 June 2025

Publish Date: 19 June 2025

Abstract

This study aims to develop an optimal governance model with a resistance economy approach for the National Water Organization to enhance institutional resilience, structural efficiency, and the realization of indigenous principles of resilient governance. This research employed an exploratory mixed-methods design consisting of qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, using grounded theory methodology, semi-structured interviews were conducted with 15 experts in governance and water management. The data were analyzed through open, axial, and selective coding using MAXQDA software. In the quantitative phase, a descriptive-correlational design was applied. A researcher-developed questionnaire, based on qualitative findings, was distributed among 351 participants selected through stratified random sampling. The data were analyzed using confirmatory factor analysis (CFA) and structural equation modeling (SEM) via LISREL 8.8 software. The results of the second-order confirmatory factor analysis demonstrated that the measurement model had an acceptable fit, confirming the validity and significance of all seven key components: participation, accountability, transparency, justice, rule of law, responsibility, and efficiency-effectiveness. The structural model was statistically supported and theoretically sound. The proposed model offers a practical and contextually grounded framework for strengthening governance in service-oriented organizations under sanctions and economic crises, contributing to the structural resilience and policymaking efficiency of the National Water Organization.

Keywords: *Good governance, resistance economy, National Water Organization, confirmatory factor analysis, grounded theory*



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، ضرورت تحول در نظام حکمرانی کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر اصول تاب‌آوری اقتصادی و مقابله با بحران‌های چندگانه به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران تبدیل شده است. در این راستا، مفهوم حکمرانی مطلوب، به‌عنوان الگویی ساختاریافته برای مدیریت منابع، سیاست‌گذاری عمومی، تعامل با جامعه مدنی و ارتقای پاسخگویی نهادهای حکومتی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات توسعه یافته است. در ایران نیز، به‌ویژه در سایه تحریم‌های فزاینده و بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی، پرداختن به حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است (Kalb, 2024; Kirkham, 2022). اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهبردی بومی برای مقابله با فشارهای اقتصادی خارجی، بر اصولی همچون درون‌زایی، برون‌گرایی، عدالت‌محوری، مردم‌محوری، و شفافیت استوار است (Nia et al., 2019).

با توجه به ساختار پیچیده و چندلایه‌ی نظام اقتصادی و سیاسی ایران، طراحی و پیاده‌سازی یک الگوی حکمرانی مطلوب که از منطبق اقتصاد مقاومتی پیروی کند، مستلزم بازاندیشی در ساختارهای سنتی، تقویت نقش مردم و نهادهای مدنی، و ارتقاء ظرفیت نهادی در سطوح مختلف مدیریتی است (Qadi & Alavian, 2022). مطالعات مختلف نشان داده‌اند که کشورهایی که توانسته‌اند بین سازوکارهای حکمرانی و اهداف اقتصاد مقاومتی پیوند برقرار کنند، موفق‌تر از سایرین در مقابله با بحران‌های اقتصادی، تحریم‌ها و نوسانات بین‌المللی عمل کرده‌اند (Batmanghelidj, 2021; Moussaoui, 2022).

در سطح ملی، سازمان‌ها و نهادهای اجرایی به عنوان کارگزاران سیاست‌گذاری، نقش مؤثری در عملیاتی‌سازی مفاهیم اقتصاد مقاومتی دارند. یکی از مهم‌ترین این نهادها، سازمان آب کشور است که در مواجهه با بحران کم‌آبی، تغییرات اقلیمی، فرسایش منابع آبی و فشارهای ناشی از ناکارآمدی مدیریتی، نیازمند بازطراحی ساختار حکمرانی خود بر اساس اصول تاب‌آوری و مقاوم‌سازی اقتصاد است (Vitkovic & Soleimani, 2019). در این راستا، حکمرانی مطلوب نه فقط در سطح کلان اقتصادی، بلکه در حوزه‌های اجرایی و تخصصی همچون مدیریت منابع آب نیز اهمیت اساسی دارد (Zarghami et al., 2023).

تحقیقات انجام شده در این زمینه حاکی از آن است که تاب‌آوری اقتصادی در سطح سازمانی، علاوه بر برخورداری از منابع مالی پایدار، به شدت وابسته به چابکی مدیریتی، مشارکت نهادی، شفافیت، پاسخگویی، و توسعه فناوری اطلاعات است (Homayoun et al., 2024; Jabbari et al., 2020). به‌ویژه در سازمان‌هایی مانند سازمان آب، که مسئول مدیریت منابع حیاتی و در عین حال استراتژیک هستند، توجه به شاخص‌های حکمرانی نظیر عدالت توزیعی، قانون‌مداری و مبارزه با فساد، می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و کارآمدی عملیاتی منجر شود (Rabbani et al., 2019; Sadrmomtaz et al., 2022).

از سوی دیگر، برآوردهای تحلیلی در خصوص کارایی اقتصاد مقاومتی در ایران، ضعف در پیوند سیاست‌گذاری کلان با عملکرد اجرایی را یکی از چالش‌های اساسی معرفی کرده‌اند (Agheli & Ezzati, 2019; Amiri et al., 2018). این چالش‌ها زمانی تشدید می‌شود که نهادهای اجرایی فاقد الگوهای مشخص حکمرانی برای مواجهه با تحریم‌ها، بحران‌های اقلیمی و نوسانات ارزی باشند (Habibi, 2019; Rasoulinezhad & Karimpour, 2022). برای مثال، در مدیریت منابع آب، که مستقیماً با امنیت زیست‌محیطی، رفاه اجتماعی و توسعه پایدار در ارتباط است، ناکارآمدی در نظام حکمرانی می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر برای جامعه و اقتصاد کشور در پی داشته باشد (Azimi et al., 2022).

در این میان، تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که رویکردهای نوینی همچون «اقتصاد آبی» و «حکمرانی مشارکتی» می‌تواند زمینه‌ساز پایداری بلندمدت در سیاست‌گذاری منابع طبیعی باشد. مفاهیم جدیدی نظیر اقتصاد آبی در ادبیات فقهی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند که به پیوند ارزش‌های بومی و دینی با ملاحظات زیست‌محیطی و اقتصادی می‌پردازند (Citaningati & Alfianto, 2024). بنابراین، برای مواجهه مؤثر با بحران‌های ساختاری موجود، تلفیق مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با شاخص‌های علمی حکمرانی مدرن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مسیر توسعه پایدار محسوب می‌شود (Nikian et al., 2022).

از سوی دیگر، آثار تحریم‌ها و همه‌گیری کرونا نیز بر نظام تأمین مالی و لجستیک کشور تأثیرات گسترده‌ای داشته که ضرورت بازطراحی زنجیره‌های تأمین و نظام مدیریت منابع را در سطح نهادی دوجندان ساخته است (Aghababaeian et al., 2023; Hosseini et al., 2023). در چنین شرایطی، نظریه‌پردازان توسعه تأکید دارند که سازمان‌ها باید در سطح عملیاتی به شاخص‌هایی چون انعطاف‌پذیری، هم‌راستایی سیاستی، تاب‌آوری نهادی و یادگیری سازمانی مجهز باشند تا بتوانند در محیطی ناپایدار، عملکردی بهینه داشته باشند (Kozhanov, 2023; Seyedan et al., 2020).

همچنین باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی، صرفاً یک راهبرد اقتصادی نیست، بلکه بستری مفهومی برای طراحی الگوی حکمرانی مبتنی بر ظرفیت‌های بومی و مشارکت مردمی است. این چارچوب مفهومی زمانی در عمل موفق خواهد بود که بتواند از طریق ارزیابی‌های منظم، داده‌محور و مشارکت ذی‌نفعان، به یک الگوی قابل پیاده‌سازی در ساختارهای سازمانی منجر شود (Wellman & Jaffal, 2023). بدین ترتیب، الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی باید مبتنی بر شاخص‌هایی باشد که ضمن انطباق با واقعیت‌های اجرایی کشور، قابلیت سنجش، ارزیابی و اصلاح‌پذیری داشته باشد (Moussaoui, 2022). در این راستا، پژوهش حاضر در پی آن است که با بهره‌گیری از روش ترکیبی به تدوین الگویی جامع و بومی برای حکمرانی مطلوب در سازمان آب کشور بپردازد.

روش‌شناسی

طراحی این پژوهش از نوع پژوهش‌های ترکیبی (آمیخته) با رویکرد اکتشافی است که شامل دو مرحله عمده کیفی و کمی می‌باشد. در مرحله نخست، از روش نظریه داده‌بنیاد به عنوان رویکرد کیفی استفاده شده و در مرحله دوم، روش تحقیق توصیفی-همبستگی به عنوان رویکرد کمی به کار گرفته شده است. در بخش کیفی، جامعه آماری متشکل از خبرگان و مدیران ارشد سازمان آب کشور تعریف شد. نمونه‌گیری در این مرحله به صورت هدفمند و غیرتصادفی انجام گرفت و در نهایت ۱۵ نفر از خبرگان به عنوان مشارکت‌کنندگان نهایی انتخاب شدند. ملاک‌های انتخاب شامل تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل به مشارکت و دسترسی پژوهشگر به آنان بود. تعیین حجم نمونه بر اساس معیار اشباع نظری صورت گرفت و تا زمانی که داده‌ها به اشباع رسیدند، فرایند انتخاب ادامه یافت. از آنجا که این پژوهش در پی طراحی یک الگو مبتنی بر تحلیل داده‌ها است، روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی مجازی مورد استفاده قرار گرفت و ابتدا فهرستی از ۲۲ نفر خبره تهیه و سپس طی فرایند انتخاب نهایی، مصاحبه‌ها با افراد منتخب انجام شد.

در گام نخست، داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، مبنای تحلیل کیفی قرار گرفت. مصاحبه‌ها به طور کامل پیاده‌سازی شده و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA در فرایند تحلیل قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها بر اساس منطق نظریه داده‌بنیاد و با استفاده از سه مرحله کدگذاری انجام شد: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. در مرحله نخست، کلیه مفاهیم استخراج شده

از متن مصاحبه‌ها به صورت کدهای توصیفی ثبت شدند. سپس در مرحله دوم، کدهای تفسیری براساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناسایی شدند. در نهایت، در مرحله سوم با ادغام و طبقه‌بندی خوشه‌ها، مفاهیم اصلی و مضامین فراگیر از درون داده‌ها استخراج شدند که مبنای طراحی الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی قرار گرفت.

در مرحله کمی تحقیق، هدف از پژوهش، توسعه کاربردی است و روش تحقیق به صورت توصیفی-همبستگی تعیین گردید. جامعه آماری این بخش شامل کلیه کارکنان ستاد مرکزی و بخش بیمه‌ای سازمان آب کشور بود که تعداد آن‌ها برابر با ۱۹۲۹۲ نفر برآورد گردید. به دلیل گستردگی جامعه آماری و محدودیت‌های اجرایی، نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام شد. با استفاده از فرمول کوکران و سطح اطمینان موردنظر، حجم نمونه مورد نیاز ۳۵۱ نفر تعیین گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها در این بخش، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که بر اساس ابعاد و مولفه‌های استخراج‌شده از مرحله کیفی تدوین گردید. پرسشنامه در قالب طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شد. برای بررسی روایی محتوای پرسشنامه، از نظرها و پیشنهادهای اساتید راهنما و مشاور بهره گرفته شد و اصلاحات لازم اعمال گردید. به منظور ارزیابی پایایی ابزار پژوهش، آزمون آلفای کرونباخ اجرا شد. در این مرحله، یک پیش‌آزمون بر روی نمونه‌ای ۲۵ نفره انجام گرفت و پس از جمع‌آوری داده‌ها، مقدار آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ محاسبه شد که برابر با ۰.۸۲ به دست آمد و نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه بود.

در تحلیل داده‌های کمی، ابتدا تحلیل عاملی تأییدی به‌منظور بررسی برازش مدل صورت گرفت. در این راستا، داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده در نرم‌افزار LISREL نسخه ۸.۸ وارد و تحلیل شدند. از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای تأیید سازه‌های اصلی و سنجش روایی سازه‌ها استفاده شد. در این مرحله، هدف اصلی اطمینان از قدرت تبیین متغیرهای پنهان از طریق گویه‌های مشاهده‌پذیر بود. به‌علاوه، از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) به‌عنوان ابزار اصلی تحلیل استفاده شد. این روش به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین روش‌های تحلیل چندمتغیری، امکان بررسی هم‌زمان مجموعه‌ای از روابط علی و معلولی بین متغیرهای مکنون و مشاهده‌شده را فراهم می‌سازد و در پژوهش حاضر جهت آزمون برازش الگوی نظری حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی به کار گرفته شد. در نهایت، تحلیل داده‌های حاصل از مدل ساختاری، میزان انطباق نظریه پیشنهادی با داده‌های تجربی را مشخص نمود و اعتبار مدل مفهومی پژوهش را تأیید یا رد کرد.

یافته‌ها

در تحلیل داده‌های کیفی این پژوهش، پس از انجام ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و مدیران ارشد سازمان آب کشور، تعداد ۳۲۲ کد باز استخراج شد. این کدهای اولیه، نمایانگر مضامین متنوعی از تجربه‌ها، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خبرگان درباره شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی بودند. در ادامه، محقق با انجام مقایسه‌های مکرر میان کدهای استخراج‌شده و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های معنایی، اقدام به ادغام کدهای مشابه و ساخت مفاهیمی انتزاعی‌تر نمود. این مفاهیم در مرحله بعدی تحلیل، بر مبنای هم‌گرایی مفهومی و انسجام در معنا، در قالب مقوله‌های فرعی سازماندهی شدند. مقوله‌های فرعی سپس با تحلیل و تفسیر بیشتر و با هدف ترسیم ساختار نظری منسجم، در قالب مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی گردیدند. این مقوله‌های اصلی به‌منزله شالوده نظری الگوی پیشنهادی تلقی شده و نمایانگر سطوح کلان‌تری از معانی نهفته در داده‌های مصاحبه هستند.

در مجموع، تعداد ۱۸ مقوله فرعی به عنوان سطوح میانی تحلیل، و ۷ مقوله اصلی به عنوان مفاهیم مرکزی در قالب الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی شناسایی و استخراج گردیدند. جدول زیر، دسته‌بندی نهایی مقوله‌های فرعی و اصلی را به صورت تلفیقی نمایش می‌دهد:

جدول ۱. عناوین مقولات اصلی و فرعی ظهور یافته در فرآیند پژوهش

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
مشارکت	مشارکت در ارائه خدمات مشارکت نهادهای مردمی و تشکلهای حکمرانی مشارکت در سیاست‌گذاری
پاسخگویی	پاسخگویی به نهادهای نظارت
کارایی و اثربخشی	ارائه طرح‌های اشتغال‌زا بازدهی بیشتر خدمات ثبات در اقتصاد
تصویب و حاکمیت قانون	اتخاذ سیاست‌های صحیح احترام دولت و مردم به قانون حفظ امنیت ثبات در جامعه
مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری مدیران نظارت مردم ایجاد جو مسئولیت‌پذیری (فرهنگی)
شفافیت	مبارزه با فساد آزادی رسانه‌ها
عدالت	ارائه خدمات برابر و اثربخش مقابله با تبعیض‌های اجتماعی

همان‌طور که از جدول استنباط می‌شود، مقوله‌هایی نظیر «مشارکت در ارائه خدمات»، «مشارکت نهادهای مردمی و تشکلهای حکمرانی» و «مشارکت در سیاست‌گذاری» ذیل مقوله اصلی «مشارکت» دسته‌بندی شده‌اند که نشان‌دهنده تأکید بر حضور فعال و چندلایه‌ی جامعه در فرایند حکمرانی است. همچنین، مؤلفه‌هایی مانند «پاسخگویی به نهادهای» و «نظارت» بیانگر انتظار از شفافیت و پاسخگو بودن ساختارهای حکمرانی است. محورهای «کارایی و اثربخشی» با ارجاع به ارائه خدمات اشتغال‌زا و افزایش بهره‌وری خدمات، بر کارکردگرایی اقتصادی تمرکز دارند. مقوله «تصویب و حاکمیت قانون» با زیرمقوله‌هایی مانند اتخاذ سیاست‌های صحیح، احترام به قانون و حفظ امنیت، بر نقش بنیادین قانون‌مداری در تحقق اقتصاد مقاومتی دلالت دارد. مقوله «مسئولیت‌پذیری» نیز با مفاهیمی نظیر پاسخگویی مدیران، نظارت عمومی و نهادینه‌سازی فرهنگ مسئولیت اجتماعی، بر ضرورت اخلاقی-اجتماعی حکمرانی تأکید می‌کند. در نهایت، مقوله‌های «شفافیت» و «عدالت» هر یک به ترتیب با مفاهیمی مانند مبارزه با فساد، آزادی رسانه‌ها، ارائه خدمات برابر و مقابله با تبعیض‌های اجتماعی، ستون‌های بنیادین تحقق حکمرانی مطلوب را تشکیل می‌دهند که در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی تحلیل شده‌اند. این ساختار، مبنای تدوین الگوی نهایی حکمرانی مطلوب در سازمان آب کشور با توجه به الزامات اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی بومی ایران خواهد بود.

در بخش کمی پژوهش، نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نشان داد که مدل اندازه‌گیری الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی از برازندگی مناسبی برخوردار است. کلیه پارامترهای برآورد شده در مدل معنادار بوده و شاخص‌های نیکویی برازش مدل نیز حاکی از مناسب

بودن ساختار مدل نظری و صحت روابط بین متغیرهای پنهان و مشاهده‌پذیر بودند. این نتایج نشان داد که ساختار طراحی شده در مرحله کیفی توانسته است به خوبی در قالب مدل کمی بازنمایی شود و قابلیت تعمیم در جامعه آماری مورد نظر را داراست.

در ادامه، به منظور بررسی دیدگاه نمونه آماری درباره وضعیت مؤلفه‌های شناسایی شده در الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی، آزمون تی تک‌نمونه‌ای اجرا شد. در این آزمون، میانگین نظرات پاسخ‌دهندگان درباره هر یک از مقوله‌های کلان با عدد ۳ (نمره متوسط طیف لیکرت) مقایسه گردید. هدف از این تحلیل، تعیین وضعیت نسبی متغیرها در مقایسه با وضعیت متوسط و سنجش میزان تحقق هر یک از مؤلفه‌ها در محیط واقعی سازمان آب کشور بود. مبنای تفسیر نتایج آزمون، فاصله اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین جامعه نمونه با مقدار ملاک (عدد ۳) است. چنانچه این فاصله به طور کامل بالاتر از صفر باشد، آن متغیر در وضعیت مطلوب تلقی می‌شود، و در صورتی که این فاصله شامل اعداد منفی گردد یا پایین‌تر از صفر باشد، آن متغیر در وضعیت نامطلوب قرار دارد.

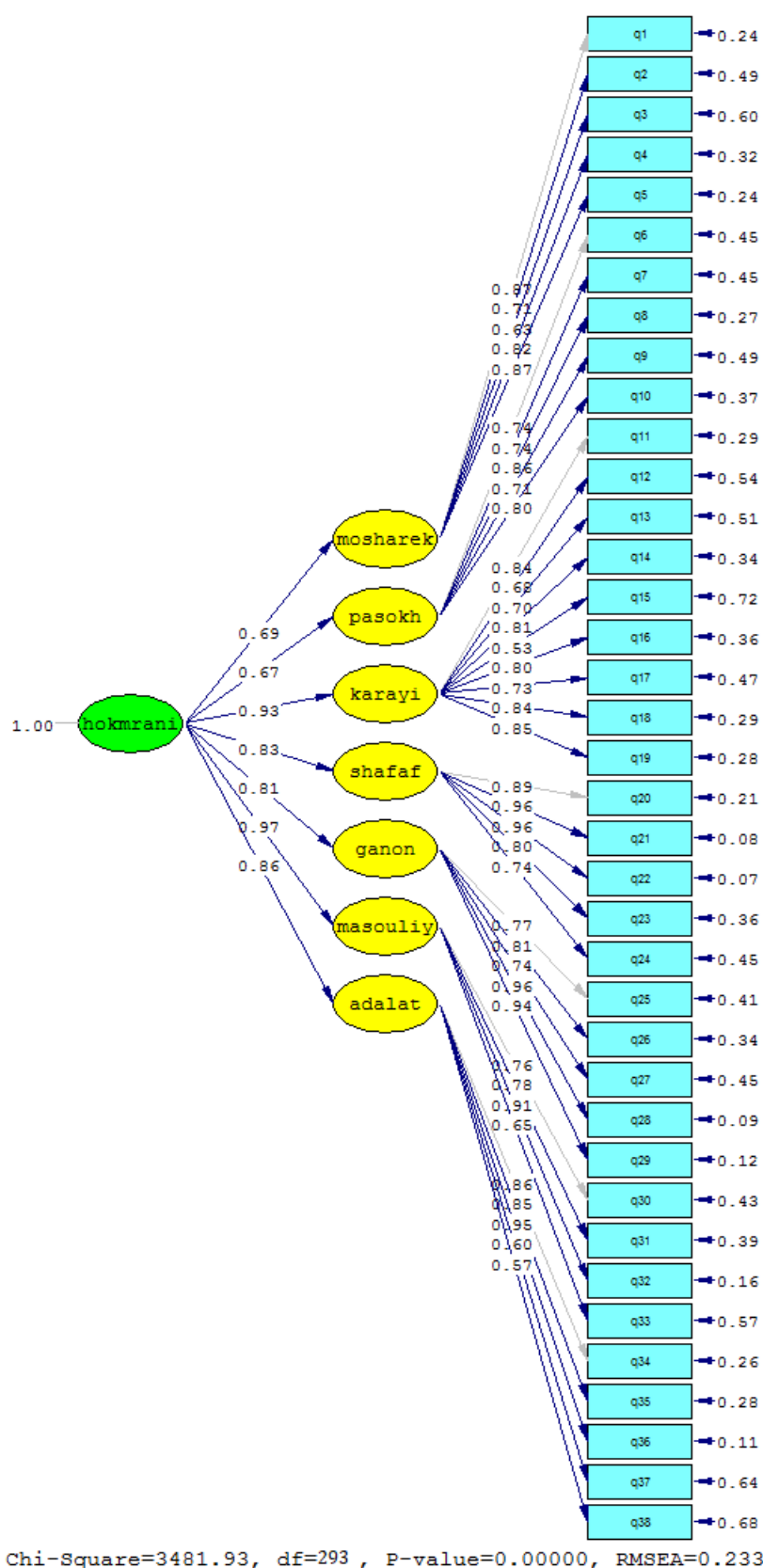
بر اساس جدول زیر، متغیرهای مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری و عدالت دارای میانگین معنادار بیشتر از عدد ملاک بوده‌اند. این بدین معناست که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، وضعیت این شاخص‌ها در سازمان آب کشور مطلوب ارزیابی شده است. در مقابل، متغیر کارایی از میانگین معناداری کمتر از مقدار ملاک برخوردار بوده و فاصله اطمینان آن پایین‌تر از صفر گزارش شده است، که بیانگر وضعیت نامساعد این مؤلفه در سطح فعلی ساختار حکمرانی سازمان است.

جدول ۲. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت مقوله‌های کلان الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی در سازمان آب

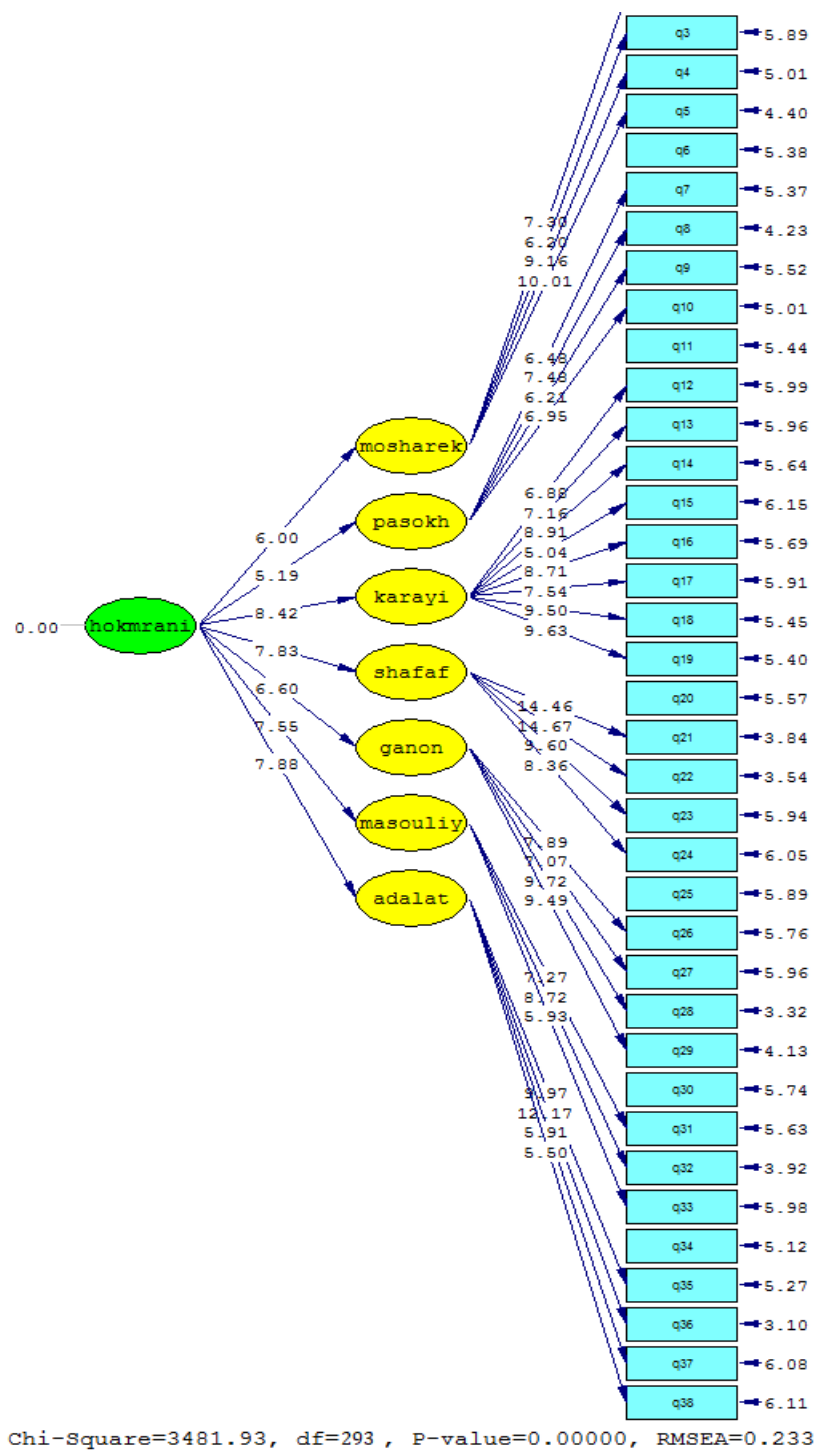
کشور

متغیر	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف میانگین	حد پایین (۹۵٪)	حد بالا (۹۵٪)
مشارکت	۲.۲۳	۲۹۳	۰.۰۰۰	۴.۱۸	۱.۱۸	۱.۰۰	۲.۱۰
پاسخگویی	۲.۴۱۸	۲۹۳	۰.۰۱۸	۳.۲۷	۰.۲۷	۰.۰۴۷	۰.۴۹
کارایی	۰.۶۷۰	۲۹۳	۰.۵۰۵	۳.۰۵	۰.۰۵۵	-۰.۱۰۹	۰.۲۲۰۷
شفافیت	۲.۸۶۷	۲۹۳	۰.۰۰۵	۳.۱۶	۰.۱۶۵	۰.۰۵۰۵	۰.۲۷۹۵
قانون‌مداری	۲.۳۰۰	۲۹۳	۰.۰۲۴	۳.۲۰	۰.۲۰۶۲	۰.۰۲۷	۰.۳۸۴۸
مسئولیت‌پذیری	۲.۳۵۶	۲۹۳	۰.۰۲۱	۳.۱۹	۰.۱۹۳۷	۰.۰۳۰۱	۰.۳۵۷۴
عدالت	۳.۸۸	۲۹۳	۰.۰۰۱	۳.۲۸	۰.۲۸	۰.۱۳	۰.۴۲

این یافته‌ها نشان می‌دهد که در ساختار فعلی حکمرانی سازمان آب کشور، شاخص‌هایی چون عدالت، شفافیت، قانون‌مداری و مشارکت در سطوح مطلوبی از تحقق قرار دارند و از منظر مدیران ستادی و میانی، قابلیت اتکا در چارچوب الگوی پیشنهادی را دارند. در مقابل، مؤلفه «کارایی و اثربخشی» در وضعیت مناسبی قرار ندارد و نیازمند بازنگری سیاست‌ها، فرآیندها و به‌ویژه تخصیص منابع برای بهبود عملکرد در این حوزه است. نتایج این بخش می‌تواند راهنمایی مؤثر برای سیاست‌گذاران در طراحی اصلاحات و تدوین برنامه‌های اجرایی در راستای تحقق حکمرانی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های دولتی باشد.



شکل ۱. مدل با ضرایب استاندارد



شکل ۲. مدل با ضرایب معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در بخش کیفی حاکی از آن است که ابعاد هفت‌گانه‌ای شامل مشارکت، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی، قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و عدالت به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی در شکل‌گیری الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی در سازمان آب کشور شناسایی شده‌اند. این مؤلفه‌ها از تحلیل ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان سازمانی و تدوین کدهای باز، محوری و انتخابی

به دست آمده‌اند و در چارچوب نظریه داده‌بنیاد انسجام یافته‌اند. در مرحله کمی نیز با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم، ساختار نظری مدل مورد تأیید قرار گرفت و نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که شاخص‌هایی چون مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری و عدالت از دیدگاه پاسخ‌دهندگان در وضعیت مطلوب قرار دارند، در حالی که کارایی و اثربخشی در وضعیت مطلوبی ارزیابی نشده است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، تأکید بر نقش مشارکت مردم و نهادهای مدنی در فرایندهای حکمرانی است. این امر با مطالعاتی هم‌راستا است که حکمرانی مشارکتی را به عنوان پیش‌نیاز تاب‌آوری در برابر بحران‌ها معرفی کرده‌اند. برای مثال، (Citaningati & Alfianto, 2024) با تأکید بر مفهوم «اقتصاد آبی» در چارچوب فقه محیط زیست، مشارکت جامعه را عاملی کلیدی در پایداری زیست‌محیطی می‌داند. همچنین پژوهش (Kalb, 2024) نشان می‌دهد که موفقیت ایران در عبور از بحران‌های ناشی از تحریم‌ها وابسته به تقویت حکمرانی از پایین به بالا و جلب مشارکت نهادهای مردمی بوده است. در همین راستا، مقوله‌های «مشارکت در سیاست‌گذاری»، «مشارکت در ارائه خدمات» و «مشارکت تشکل‌های مردمی» در این مطالعه، بازتاب‌دهنده همین ضرورت ساختاری‌اند.

هم‌زمان، نتایج کمی پژوهش نشان داد که شاخص کارایی از دیدگاه مدیران ستادی و میانی سازمان آب کشور در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. این یافته با نتایج تحقیق (Habibi, 2019) همخوان است که ناکارآمدی سیاست‌های ارزی و مالی را یکی از موانع اصلی تحقق تولید ملی و رشد پایدار در چارچوب اقتصاد مقاومتی معرفی می‌کند. همچنین، تحلیل‌های (Amiri et al., 2018) در خصوص شاخص‌های آسیب‌پذیری اقتصادی در ایران نیز بر ضعف در بهره‌وری ساختارهای اجرایی تأکید دارند. با توجه به نقش حیاتی سازمان آب در مدیریت منابع استراتژیک کشور، ناکارایی این بخش می‌تواند پیامدهایی جدی بر اقتصاد کلان و امنیت اجتماعی وارد کند.

در سوی دیگر، مقوله‌هایی نظیر شفافیت و پاسخگویی از جایگاه مطلوبی برخوردار بوده‌اند. این یافته با مطالعات (Qadi & Alavian, 2022) و (Rabbani et al., 2019) هم‌راستا است که شفافیت اطلاعات، مبارزه با فساد و پاسخ‌گویی نهادی را از ارکان حکمرانی خوب در نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند. پژوهش (Kirkham, 2022) نیز نشان می‌دهد که موفقیت ایران و روسیه در تطابق با تحریم‌های غربی، به میزان بالایی به شفافیت و هماهنگی نهادی وابسته بوده است. در این راستا، مقوله‌هایی نظیر «پاسخگویی به نهادها»، «نظارت»، «آزادی رسانه‌ها» و «مبارزه با فساد» در این پژوهش، به عنوان عوامل کلیدی در بهبود مشروعیت و کارآمدی نظام حکمرانی مطرح شده‌اند.

نکته مهم دیگر، جایگاه عدالت در نظام حکمرانی مطلوب است. نتایج پژوهش نشان داد که عدالت به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی مورد پذیرش مدیران سازمان قرار گرفته است. این موضوع با تحلیل (Seyedan et al., 2020) همخوانی دارد که بر ضرورت عدالت توزیعی در تحقق اقتصاد مقاومتی در بخش کشاورزی تأکید کرده است. از طرفی، (Azimi et al., 2022) نیز در مطالعه خود بر جوامع محلی ترکمن، به نقش تبعیض‌های ساختاری در افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی و ناکامی در مدیریت منابع طبیعی اشاره می‌کند. بنابراین، نهادینه‌سازی عدالت سازمانی می‌تواند مسیر تحقق پایداری ساختاری و اجتماعی را هموار سازد.

از نظر ساختار کلان، ترکیب شاخص‌های استخراج‌شده در این مطالعه نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی مطلوب با رویکرد اقتصاد مقاومتی نمی‌تواند صرفاً به عنوان یک ساختار اداری-قانونی تلقی شود، بلکه در لایه‌های فرهنگی، رفتاری، نهادی و سیاستی نیز باید بازتعریف گردد. این یافته با تحلیل (Moussaoui, 2022) مطابقت دارد که الگوهای حکمرانی مقاومتی را در پیوند با قدرت نرم، مشارکت اجتماعی و

سیاست‌گذاری بومی معرفی می‌کند. همچنین، مطالعه (Nikian et al., 2022) که به طراحی زنجیره تأمین مقاوم در شرایط تحریم و کووید پرداخته، نشان می‌دهد که تاب‌آوری سازمانی بدون حکمرانی انعطاف‌پذیر، امکان‌پذیر نیست.

نهایتاً، می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر علاوه بر تأیید نظری مؤلفه‌های اصلی حکمرانی مطلوب، از قابلیت عملیاتی‌سازی این شاخص‌ها در محیط واقعی سازمانی نیز دفاع می‌کند. بر اساس یافته‌های کیفی و کمی، چارچوبی بومی و نظام‌مند برای نهادهایی نظیر سازمان آب کشور فراهم آمده است که می‌تواند در شرایط بحران و ناپایداری، توان تطابق و تاب‌آوری آنها را افزایش دهد. این چارچوب نه تنها با اصول بنیادین اقتصاد مقاومتی هم‌راستا است، بلکه با تکیه بر تجربیات میدانی، امکان تدوین برنامه‌های اجرایی، اصلاح ساختارهای فرسوده، و تقویت سرمایه اجتماعی را در سطوح خرد و کلان فراهم می‌سازد (Kalb, 2024; Zarghami et al., 2023).

یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، تمرکز آن بر سازمان آب کشور به‌عنوان یک مورد مطالعه خاص است. این موضوع اگرچه امکان تعمق در شرایط بومی را فراهم کرده، اما ممکن است قابلیت تعمیم کامل نتایج به دیگر سازمان‌های اجرایی کشور را محدود کند. همچنین، در بخش کیفی محدودیت دسترسی به برخی از مدیران عالی‌رتبه و تمرکز بر سطح میانی و پایه مدیریتی، ممکن است بر تنوع داده‌های استخراج‌شده تأثیر گذاشته باشد. در بخش کمی نیز، محدودیت‌هایی همچون خودگزارشی بودن ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) و احتمال تعصب پاسخ‌دهی وجود دارد.

با توجه به یافته‌ها و چارچوب نظری ارائه‌شده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در سایر نهادهای کلیدی دولتی و اجرایی، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، و انرژی نیز اجرا گردد تا امکان مقایسه تطبیقی الگوهای حکمرانی با رویکرد اقتصاد مقاومتی فراهم شود. همچنین، استفاده از رویکردهای ترکیبی در مطالعات طولی می‌تواند به تحلیل پویایی تغییرات ساختاری در حکمرانی سازمان‌ها کمک کند. پژوهش‌های آتی می‌توانند از داده‌های ثانویه، تحلیل سیاست‌ها و شاخص‌های بین‌المللی نیز بهره‌گیرند تا چارچوب‌های بومی در ارتباط با الگوهای جهانی قرار گیرد.

سازمان آب کشور می‌تواند با بهره‌گیری از الگوی تدوین‌شده، برنامه‌ای برای بازطراحی ساختارهای اجرایی و سیاست‌گذاری تدوین کند که در آن تقویت مشارکت نهادی، ارتقای شفافیت، اصلاح فرآیندهای ناکارآمد، و استقرار نظام‌های پاسخگویی در اولویت قرار گیرد. همچنین، آموزش مدیران میانی و پایه با محوریت مفاهیم حکمرانی مطلوب و اقتصاد مقاومتی، می‌تواند در نهادینه‌سازی این الگو نقش مؤثری ایفا کند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود پایگاه داده‌ای برای رصد و ارزیابی مستمر شاخص‌های حکمرانی در سازمان طراحی شود تا امکان به‌روزرسانی و اصلاح برنامه‌ها در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم گردد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

In recent decades, good governance has emerged as a foundational concept in policy discourse across both developed and developing nations, especially in the face of systemic shocks, economic volatility, and governance inefficiencies. In the Iranian context, the need to transition from traditional bureaucratic systems toward models of governance that embody principles of resilience, sustainability, and local participation has become increasingly pronounced. Among the various approaches, the “resistance economy” paradigm has gained traction as a localized and strategic response to external pressures such as international sanctions, natural resource constraints, and economic dependencies (Kalb, 2024). This framework advocates for endogenous economic development, reduction of vulnerabilities, and enhancement of strategic sectors through a governance structure that is both participatory and accountable.

The water sector in Iran represents a critical and emblematic case for applying such a model. With mounting water scarcity, climate variability, and structural inefficiencies, organizations such as the National Water Organization (NWO) must adopt governance mechanisms that ensure resource efficiency, institutional transparency, and crisis adaptability (Vitkovic & Soleimani, 2019). Governance in this domain must not only align with technical imperatives but also fulfill socio-economic and environmental justice requirements. As argued by (Zarghami et al., 2023), resilient governance in water-dependent regions of Iran depends largely on the political economy of resource management, local engagement, and institutional accountability. Moreover, resilient governance becomes vital when organizations are challenged by disruptions—whether due to ecological shocks, international sanctions, or logistical breakdowns—as highlighted in studies on Iran’s economic and infrastructure vulnerabilities (Kozhanov, 2023; Rasoulinezhad & Karimpour, 2022).

In this context, the notion of “good governance with a resistance economy approach” implies an institutional design capable of integrating participatory decision-making, transparency, rule of law, responsiveness, efficiency, and justice into the operations of public organizations. While previous research has addressed aspects of resilience in industrial or macroeconomic systems (Batmanghelidj, 2021; Moussaoui, 2022), fewer studies have offered operational models applicable to strategic sectors like water management. This gap is further underscored by (Qadi & Alavian, 2022), who emphasizes the need for integrated policy frameworks grounded in both Islamic values and modern public administration standards.

Scholars also point to the failure of top-down planning mechanisms to effectively adapt to conditions of chronic economic and environmental stress. Instead, multidimensional governance frameworks—built on data, community knowledge, and adaptive capacity—are advocated (Nikian et al., 2022; Wellman & Jaffal, 2023). Furthermore, (Citanningati & Alfianto, 2024) proposes the integration of Islamic jurisprudential approaches such as *Fiqh Bi’ah* (Environmental Jurisprudence) to inform the ethical and communal dimensions of policy, particularly in environmental resource governance. Thus, embedding the resistance economy within governance practices requires not just technical reform but also normative realignment with participatory ethics, economic justice, and institutional resilience.

Given the fundamental role of the National Water Organization in sustaining Iran’s water infrastructure and ecological security, this study aims to design a context-specific model of good governance tailored to the principles of the resistance economy. The proposed model seeks to be

both theoretically robust and practically implementable within the operational structure of the NWO. By employing a sequential exploratory mixed-methods approach, this research identifies the core dimensions of resilient governance, validates them empirically, and proposes a strategic framework suited to Iran's socio-political and institutional realities.

Methods and Materials

This study adopted a sequential exploratory mixed-methods research design comprising two primary phases: a qualitative phase based on grounded theory methodology and a quantitative phase employing confirmatory factor analysis (CFA) and structural equation modeling (SEM). In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with 15 senior experts and executives from the National Water Organization using purposive sampling with snowball techniques to achieve theoretical saturation. Interview data were transcribed and analyzed using MAXQDA software following the coding procedures of grounded theory, including open coding, axial coding, and selective coding.

In the quantitative phase, a survey questionnaire was constructed based on qualitative findings and administered to a sample of 351 respondents selected through stratified random sampling from a population of over 19,000 NWO staff. Reliability of the questionnaire was confirmed through Cronbach's alpha ($\alpha = 0.82$), and content validity was established through expert review. Data were analyzed using LISREL 8.8 software to perform second-order CFA and structural modeling, examining the fit and significance of latent constructs.

Findings

The qualitative phase of the study resulted in the extraction of 322 open codes, which were synthesized into 18 sub-categories and subsequently classified under seven overarching themes: participation, accountability, efficiency and effectiveness, rule of law, responsibility, transparency, and justice. These categories collectively formed the conceptual basis for the proposed governance model.

Quantitative validation via second-order confirmatory factor analysis confirmed the construct validity of all seven governance dimensions. All factor loadings were statistically significant and exceeded the accepted thresholds. The structural model demonstrated good overall model fit with indices such as RMSEA, CFI, and TLI falling within acceptable ranges. More specifically, the dimensions of participation, accountability, transparency, rule of law, responsibility, and justice scored significantly above the neutral threshold in one-sample t-tests, indicating their perceived strong presence and relevance in the governance practices of the NWO.

In contrast, the dimension of efficiency and effectiveness yielded a mean score not significantly different from the neutral point, suggesting a relatively weaker performance in terms of operational resource use and outcome optimization. This discrepancy indicates a gap between strategic governance ideals and day-to-day administrative functionality, highlighting a critical area for structural and policy reform.

Discussion and Conclusion

The study's findings confirm that good governance in the context of the National Water Organization must extend beyond bureaucratic efficiency to encompass participatory, ethical, and resilience-oriented practices. The strong performance of dimensions such as participation, accountability, and transparency reflects a growing awareness within the organization about the importance of stakeholder engagement and institutional legitimacy. These outcomes support the theoretical assertions of resilience economy advocates who emphasize the integration of social capital,

community involvement, and adaptive governance mechanisms as critical tools for survival and growth under external pressures.

However, the underperformance of the efficiency and effectiveness dimension indicates that despite normative alignment with governance ideals, practical implementation remains a challenge. Structural rigidity, limited technological adoption, and centralized control may undermine the organization's capacity to convert strategic visions into tangible performance outcomes. Addressing this issue requires a more holistic governance reform that includes capacity-building, decentralization, and policy innovation.

Moreover, the research underscores the importance of justice and rule of law as foundational principles in building resilient institutions. When governance is perceived as fair, lawful, and responsive, it not only enhances public trust but also increases organizational stability and policy effectiveness. These elements are particularly vital in sectors like water, where resource distribution, environmental ethics, and public welfare intersect.

The governance model proposed by this study offers a pathway for institutionalizing resistance economy principles in a way that is empirically validated and tailored to local contexts. It bridges the gap between abstract policy objectives and concrete administrative strategies. By focusing on both structure and function, the model serves as a roadmap for other public sector entities seeking to fortify their governance frameworks against economic, environmental, and political disruptions.

References

- Aghababaeian, H., Khosravifar, A., & Janbazloufar, K. M. (2023). Does Monsoon Itself Cause Health Risks? Lessons From the Flash Flood of Imamzadeh Davood, Iran 2022. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 17. <https://doi.org/10.1017/dmp.2023.104>
- Agheli, L., & Ezzati, M. (2019). The Study of Iran's Performance Regarding the Nine Dimensions of Resilient Economy in Comparison With Corresponding Indicators in the Selected Countries of the MENA and ECO. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 710-729. <https://doi.org/10.32598/jmsp.6.special.issue.710>
- Amiri, H., Beyranvandorcid, M. P., Amoginorcid, F. N., & Alizadeh, S. (2018). Estimation Vulnerability and Resilience Indicators in Iran Economy. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 434-455. <https://doi.org/10.32598/jmsp.6.3.434>
- Azimi, M., Sharifian, A., Riazinia, V., Arzani, H., & Abbaspour, K. C. (2022). Pastoral Community's Vulnerability Under Extreme Floodings Accelerated by Rangeland Degradation Among Turkmen Transhumant, Northern Iran. *Journal of Flood Risk Management*, 15(4). <https://doi.org/10.1111/jfr3.12842>
- Batmanghelidj, E. (2021). The Ins and Outs of Iranian Industrial Resilience Under Sanctions. *The Muslim World*, 111(1), 96-112. <https://doi.org/10.1111/muwo.12374>
- Citaningati, P. R., & Alfianto, T. (2024). Blue Economics in Islamic Economics Perspective: Fiqh Bi'ah Approach. *Journal of Islamic Economic Laws*, 7(02), 128-160. <https://doi.org/10.23917/jisel.v7i02.5200>
- Habibi, R. (2019). The Necessity of Revising the Currency Policy: Looking at the Effect of Exchange Rate on Iran's Trade Balance and National Production During 2001-2016. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 750-769. <https://doi.org/10.32598/jmsp.6.special.issue.750>
- Homayoun, S., Pazhohi, M., & Tamam, H. M. (2024). The Effect of Innovation and Information Technology on Financial Resilience. *Sustainability*, 16(11), 4493. <https://doi.org/10.3390/su16114493>
- Hosseini, S., Taghvaei, M., & Ataev, Z. V. (2023). An Elaboration of Obstacles and Perspectives of Medical Tourism Development Taking the Approach of Integrated Service Provision (Case Study: Isfahan Province, Iran). *South of Russia Ecology Development*, 18(3), 210-225. <https://doi.org/10.18470/1992-1098-2023-3-210-225>
- Jabbari, A., Mohammadi, F., & Heidari, L. (2020). Manifestations of Economic Resilience in Hospitals: What Do Managers Say? *The Journal of Tolooebekdasht*. <https://doi.org/10.18502/tbj.v19i1.2814>
- Kalb, Z. (2024). Mobilized Resilience and Development Under Sanctions in Iran. *Development and Change*, 55(5), 933-964. <https://doi.org/10.1111/dech.12859>
- Kirkham, K. (2022). The Political Economy of Sanctions: Resilience and Transformation in Russia and Iran. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-04055-9>

- Kozhanov, N. (2023). Between Development, Growth and Survival: Some Current Features of Iran's Model of Socio-Economic Development. *Journal of International Analytics*, 14(1), 72-91. <https://doi.org/10.46272/2587-8476-2023-14-1-72-91>
- Moussaoui, F. (2022). The Failure of Western Policies Toward Iran's Power Projection & Resilience Strategies. *Comillas Journal of International Relations*(23), 13-35. <https://doi.org/10.14422/cir.i23.y2022.002>
- Nia, S. S., Rad, H. A., Daneshnia, M., Rad, F. A., & Qezelbash, A. (2019). Resistance Economy, Fiscal and Monetary Policy and Its Impact on Economic Growth in Iran. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 730-749. <https://doi.org/10.32598/jmsp.6.special.issue.730>
- Nikian, A., Zare, H. K., Lotfi, M. M., & Nezhad, M. S. F. (2022). Redesign of a Sustainable and Resilient Closed-Loop Supply Chain Network Under Uncertainty and Disruption Caused by Sanctions and COVID-19. *Operations Management Research*, 16(2), 1019-1042. <https://doi.org/10.1007/s12063-022-00330-3>
- Qadi, M. R., & Alavian, M. (2022). Evaluation and Evaluation of Public Policy in the Islamic Republic of Iran Based on the Theory of Good Governance. *International journal of health sciences*, 48550-48571. <https://doi.org/10.53730/ijhs.v6ns7.13638>
- Rabbani, M., Yazdanparast, R., & Mobini, M. (2019). An Algorithm for Performance Evaluation of Resilience Engineering Culture Based on Graph Theory and Matrix Approach. *International Journal of Systems Assurance Engineering and Management*, 10(2), 228-241. <https://doi.org/10.1007/s13198-019-00774-0>
- Rasoulnezhad, E., & Karimpour, M. (2022). Characteristics and Aspects of the Oil Revenue Management Models in Iran and the Russian Federation. *Transbaikal State University Journal*, 28(5), 101-109. <https://doi.org/10.21209/2227-9245-2022-28-5-101-109>
- Sadrmomtaz, N., Khedmati, M., & Babaei, A. (2022). Evaluation of the Performance of World Countries' Health Systems in the Face of Covid-19 in Respect of Vaccination Role. *Depiction of Health*, 13(1), 33-47. <https://doi.org/10.34172/doh.2022.03>
- Seyedan, N., Mohammadi, I. M., Hoseini, S. J. F., & Moghaddasi, R. (2020). Modeling Education to Develop Resistive Economics in Agricultural Economy in Iran. *Plant Archives*, 21(supplement 1). <https://doi.org/10.51470/plantarchives.2021.v21.s1.375>
- Vitkovic, S., & Soleimani, D. (2019). The Economic and Social Impacts of Water Scarcity in the Ir Iran. *Ijasos-International E-Journal of Advances in Social Sciences*, 342-359. <https://doi.org/10.18769/ijasos.531330>
- Wellman, R., & Jaffal, I. (2023). Commemorations and Outreach: Shi'i Leaders of Metro Detroit Take on The<scp>COVID</Scp>-19 Pandemic. *Journal for the Anthropology of North America*, 26(1-2), 21-40. <https://doi.org/10.1002/nad.12177>
- Zarghami, S., Kaleji, L. K., & Abhari, M. (2023). Resilience Analysis of the Local Communities From a Political Economy Perspective in Zanzan, Iran. *Scientific reports*, 13(1). <https://doi.org/10.1038/s41598-023-46838-x>